



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بازتاب اندیشه سیاسی
عاشورا
در شعر معاصر

جواد محدثی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازتاب اندیشه سیاسی عاشورا در شعر معاصر

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

حکومت اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بازتاب اندیشه سیاسی عاشورا در شعر معاصر
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	نگاه سیاسی به عاشورا
۷	اندیشه سیاسی در قیام کربلا
۷	گلگشتی در بوستان شعر
۸	اشاره
۸	آزادی و حریت
۸	نپذیرفتن ذلت
۹	عدالت و آزادی
۹	مکتب مبارزه
۱۰	جاودانگی در تاریخ
۱۱	پیام خون
۱۲	جهاد، رمز عزت
۱۳	عاشورا، پیامد تنها گذاشتن امام
۱۳	پاورقی
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بازتاب اندیشه سیاسی عاشورا در شعر معاصر

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۴۹۸۷۰

سرشناسه: محدثی جواد

عنوان و نام پدیدآور: بازتاب اندیشه سیاسی عاشورا در شعر معاصر / محدثی جواد

منشأ مقاله: ، حکومت اسلامی ش ۲۷، (بهار ۱۳۸۲): ص ۳۷۵ - ۳۹۵.

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: شعر

توصیفگر: ادبیات دینی توصیفگر: ادبیات انقلابی توصیفگر: فضایل اخلاقی توصیفگر: عزت نفس توصیفگر: جاودانگی

توصیفگر: آزادی توصیفگر: عدالت توصیفگر: جهاد

توصیفگر: شجاعت

مقدمه

از آنجا که جوهره حرکت عاشورا، حرکتی سیاسی بود، نگاه سیاسی، مبارزاتی و اصلاح طلبانه بدان از دیرباز در بین صاحبان اندیشه و قلم رواج داشته است. شاعران بسیاری نیز به بعد اجتماعی - سیاسی عاشورا توجه کرده در کنار سروده های پرسوز و نوحه های جانگداز بر مصائب سیدالشهداء و یاران آن حضرت، بعد حماسی و انقلابی آن را مورد توجه خاص قرار داده اند. عناصری چون ذلت ناپذیری و عزت نفس، ظلم ستیزی، افشای ستم جائران، عدالت و برابری، اصلاح جامعه و پیکار با مفاسد، و الهام گیری آزادگان از مکتب عاشورا از جمله محورهای سروده های انقلابی و سیاسی بوده است. نویسنده در این مقاله بعد از توجه به بعد سیاسی حماسه عاشورا و ذکر محورهای اندیشه سیاسی در نهضت کربلا، گلگشتی در بوستان شعر شاعران داشته، آنها را با عناوین: آزادی و حریت، پذیرفتن ذلت، عدالت و آزادی، مکتب مبارزه، جاودانگی در تاریخ و... سامان داده است.

نگاه سیاسی به عاشورا

اهل ادب و قلم و شاعران و نویسندگان، به حادثه عاشورا از زاویه های مختلف نگرسته اند و به تبع آن «زاویه نگاه»، آثار شعری و ادبی آنان نیز همان صبغه و درونمایه را یافته است. جوهره حرکت عاشورا، حرکت سیاسی بود. امام حسین (ع) از موضع امامت مسلمین، با پذیرفتن بیعت یزید و نامشروع دانستن حکومت امویان و ادعای اینکه امامت و خلافت و رهبری حق مسلم، مشروع و مغضوب اهل بیت است، از مدینه بیرون شد و چند ماه در مکه اقامت گزید و در آن مدت، مواضع سیاسی خویش را نسبت به حکومت، با مردم در میان گذاشت و در پاسخ به «استنصار» مردم کوفه و نامه های دعوت کوفیان و بصریان، مسلم بن عقیل را به نمایندگی به عراق فرستاد و پس از دریافت گزارش مساعد از اوضاع کوفه و بیعت هزاران نفر هوادار مسلح، به قصد تشکیل حکومت اسلامی و برپایی عدل و برانداختن سلطه ستم و ریشه کن ساختن غده شوم بنی امیه، عازم سرزمین عراق شد. مبارزه با سلطه یزیدی و تلاش در راه احقاق حق ائمه و اهل بیت، حرکتی سیاسی الهی و از شؤون امامت بود که آن حضرت بدان پرداخت. این، نگاه واقع بینانه به حرکت عاشورا است. امامت ائمه «قدس سره»، در بعد سیاسی حرکت عاشورا سخنان فراوانی دارد که جهت

نمونه به این فراز دقت کنید: «تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خورش را بدهد، تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا این که این علم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد و تمام شد». [۱]. «تکلیف الهی خودش را تشخیص داد که باید نهضت کند و راه بیفتد، برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استنکار کند، هر چه خواهد شد». [۲]. «آن حضرت به فکر آینده اسلام و مسلمین بود، به خاطر اینکه اسلام در آینده و در نتیجه جهاد مقدس و فداکای او در میان انسان ها نشر پیدا کند و نظام سیاسی و نظام اجتماعی آن در جامعه ما برقرار شود مخالفت نمود، مبارزه کرد و فداکاری کرد». [۳]. نگاه سیاسی و مبارزاتی و اصلاح طلبانه به قیام عاشورا، از دیرباز بین اهل اندیشه و قلم، کم و بیش بوده است، چرا که خود سیدالشهدا(ع)، خروج خویش را برای مبارزه با ظلم و بدعت و جهت احیای قرآن و حق و به قصد امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت معرفی کرده است: «...انما خرجت لطلب الاصلاح فی امیة جدی...» [۴]. شاعران بسیاری هم به بُعد اجتماعی و سیاسی آن نهضت مقدس توجه داشته و آن را سروده اند، هر چند در سالهای نزدیک به انقلاب اسلامی، این نگرش، روشن تر و جدی تر بوده است و پس از انقلاب، چنین رویکردی عمق و شفافیت بیشتری یافته و این از برکات این نهضت است. به تعبیر مقام معظم رهبری: «امروز هم شاعران و گویندگانی هستند که برای ظلم، و فساد شعر می گویند و اگر انقلاب ما و این تحوّل که در همه ارکان ملت ما پیدا شد به وجود نمی آمد، معلوم نبود که چه می شد و به کجا می رسید؟» [۵].

اندیشه سیاسی در قیام کربلا

در کنار شاعرانی که با سروده های پرسوز و نوحه های جانگداز خویش، تنها به بُعد عاطفی و نوحه گری و مرثیه بر جسم چاک چاک و لب عطشان سیدالشهدا(ع) می پرداختند، شاعرانی هم بودند و هستند که در آن حادثه، بُعد حماسی و انقلابی و اندیشه های سیاسی و الهام بخشی های اجتماعی و مبارزاتی آن را از نظر دور نداشته اند. عناصری که در سروده های شاعران در این محور وجود دارد، قابلعنوان گذاری به صورت محورهای زیر است: - ذلت ناپذیری و عزت نفس - ظلم ستیزی و افشاگری ستم جائران - حق گرایی و دعوت به رهبری ائمه - عدالت و برابری - آزادی و آزادگی - احیاء دین و سنت های اسلامی - رسواسازی باطل و مبارزه با بدعت - اقامه حق و عدل و امر به معروف و نهی از منکر - اصلاح جامعه و پیکار با مفاسد - جاودانگی نام حسین(ع) و شهدای کربلا - موج آفرینی حادثه عاشورا در تاریخ - الهام بخشی عاشورا به انقلابیون و ستمدیدگان - الهام گیری آزادگان از مکتب عاشورا - نقد حکومت یزید و شیوه های جاهلیت اموی - آگاه سازی توده ها و دریدن پرده های غفلت - تبیین مظلومیت اهل بیت(ع) - شایستگی امام حسین(ع) و عترت به امامت و پیشوایی - ضرورت فداکاری و جهاد در راه عقیده و مرام - شکست سلطه ها در برابر سلاح شهادت و مظلومیت - برتری شهادت با افتخار، بر زندگی ذلیلانه - ضرورت پیام رسانی در حماسه های خونین - دشمنی دیرینه جبهه یزیدی با اساس اسلام... موارد و مفاهیمی از این دست، که هم در قیام عاشورا وجود داشته و از درس ها و پیام های اجتماعی و سیاسی آن به شمار می رود، و هم در سروده های شاعران متعهد و آگاه عاشورایی به وضوح دیده می شود. روشن است که پرداختن به مفاهیم سیاسی یاد شده و تحلیل و کاوش آنها در اشعار شعرا، کاری عظیم و پرحجم و بیرون از حوصله این نوشتار است. ناچار باید اشاراتی به نمونه هایی از سروده های شاعران داشت، تا گوشه ای از بازتاب این اندیشه ها در آینه شعر و ادب، روشن گردد. از آنجا که بهره گیری از شعر، به لحاظ زبان عام و فراگیر و جذاب و دلنشین آن، در جاودانه ساختن مفاهیم دینی و اجتماعی مؤثر است، اهتمام جدی تر در زمینه سرودن شعرهای آیینی با نگرش های سیاسی اجتماعی به حادثه کربلا و کلاً مضامین مکتبی و حرکت مستمر و ریشه دار دین در جامعه، می تواند یکی از گام های اساسی و ارزشمند به شمار آید.

گلگشتی در بوستان شعر

اشاره

از محورهای یاد شده به عنوان اندیشه سیاسی نهضت عاشورا، به چند نمونه اشاره می‌شود و ابیاتی در باره آنها آورده می‌شود:

آزادی و حریت

ناظر زاده کرمانی می‌گوید: ای یاد تو در عالم، آتش زده بر جانها هر جا ز فراق تو چاک است گریبانهای گلشن دین سیراب با اشک محبت از خون تو شد رنگین هر لاله به بستانها بسیار حکایتها گردیده کهن اما جانسوز حدیث تو، تازه است به دورانها در دفتر آزادی، نام تو به خون ثبت است شد ثبت به هر دفتر، با خون تو عنوان هاین سان که تو جان دادی، در راه رضای حق آدم به تو می‌نازد، ای اشرف انسان هاقربانی اسلامی با همت مردانه ای مفتخر از عزم همواره مسلمانها [۶]. مرحوم خوشدل از شاعران پیش از انقلاب، در مفاهیم سیاسی اجتماعی نهضت کربلا بسیار شعر سروده است. در یکی از آنها که به فلسفه نهضت حسینی اشاره می‌کند، می‌گوید: بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین استحسین مظهر آزادگی و آزادی خوشا کسی که چنینش مرام و آیین استنه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم که این مرام حسین است و منطق دین استهمین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی اگر چه گریه بر آلام قلب تسکین استبیین که مقصد عالی وی چه بود ای که درک آن سبب عز و جاه و تمکین استر خاک مردم آزاده بوی خون نشان شیعه و آثار پیروی این است [۷]. نیز دکتر قاسم رسا، در ترجمه کلام اباعبدالله (ع) می‌گوید: گر شما را به جهان دینی و آیینی نیست لااقل مردم آزاده به دنیا باشید [۸]. در سروده فضل الله صلواتی می‌خوانیم: درس آزادی به دنیا داد رفتار حسین بذر همت در جهان افشاند افکار حسینبا قیام خویش بر اهل جهان معلوم کرد تابع اهل ستم گشتن بود عار حسین [۹]. در یکی از سروده های محسن حافظی می‌خوانیم: جان فدا کردی به راه مکتب آزادگی جان هر آزاده ای گردد فدایت یا حسین [۱۰]. شاعر دیگری چنین سروده است (در باره عباس بن علی): درس آزادگی عباس به عالم آموخت زانکه شد مست از آن باده که در ساغر توست [۱۱]. احد ده بزرگی از زبان پیشوای آزادی چنین می‌سراید: منم آزاد مرد ملک هستی منم قانونگذار کشور گلمنم ویرانگر کاخ ستمگر منم روح عدالت گستر گل [۱۲].

پذیرفتن ذلت

شاید این عنوان، هم مضمون با آزادگی باشد، ولی به هر حال به صورت جداگانه «زیر بار ظلم نرفتن» و «پذیرای ذلت نشدن» که فلسفه شهادت اباعبدالله بود و در جمله معروف «هیئات منّا الذلّة» تجلّی یافته، در سروده های فراوانی آمده است که به چند نمونه اشاره می‌شود: روزی که به کوفه رو نمود از عرفات بگزید طریق عشق، بر حُبّ حیاتدر گوش نسیم روزگاران فرمود: آزاده، ستم پذیر گردد؟ هیئات! [۱۳]. و جواد محقق گوید: آنکه به حق خم نگشت در بر ظالم سرو صفت، قامت رسای حسین است [۱۴]. در شعر خسرو نژاد هم می‌خوانیم: جان ز کف دادن و تسلیم به ظالم نشدن آری، آری به خدا همت عالی این استجان به قربان تو ای کشته که خود فرمودی مرگ با نام به از زندگی ننگین است [۱۵]. و نیز این رباعی که از زبان سیدالشهداست: من تن به زیر بار مذلت نمی‌دهم نورم، عنان خویش به ذلت نمی‌دهمجان می‌دهم ز دست، ولی با یزید پست دست از برای دادن بیعت نمی‌دهم [۱۶]. قاسم سروی می‌سراید: کشته شد ایما نشد تسلیم نامردی و زور چون سرافرازی و مردی ایده و ایمان اوستدرس رادی و جوانمردی به عالم داد و رفت کاخ حریت به پا از درس جاویدان اوست [۱۷]. شاعران، اغلب با الهام از خطبه ها و رجزهای امام حسین (ع) این مفهوم را ترسیم کرده و «ذلت پذیری» را منافی شأن امام و روح بلند و آزاده او دانسته اند. باز هم شعری از دکتر رسا: من نه آن باشم که آرم پیش دشمن سرفرود کی ز جان بازی بود آزادمردان را حذر عزت و مردانگی را یاد گیرید از حسین تا

چو جان گیرید در بر شاهد فتح و ظفر مظهر ناموس و غیرت، آیت مردانگی کی شوم تسلیم حکم غاصب بیدادگر [۱۸]. و این شعر زیبای خوشدل را همه حفظانند که: نه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین استر خاک مردم آزاده بوی خون آید نشان شیعه و آثار پیروی این است [۱۹]. جمله «موتٌ فی عزٍّ خیرٌ من حیاةٍ فی ذُلٍّ» که از کلمات درخشان سیدالشهدا است، [۲۰] در برخی سروده ها چنین انعکاسی یافته است: (مرگ با عزّت ز عیش در مذلت بهتر است) نغمه ای می باشد از لعل دُرربار حسیناز آستان همت ما ذلت است دور و اندر گنم غیرت ما نیستش ورودبر ما گمان بردگی زور برده اند ای مرگ، همتی که نخواهیم این قیود

عدالت و آزادی

از فلسفه های مهم قیام کربلا، دعوت به حق و عدل و تأمین آزادی برای انسانها و شکستن سلطه ستم و گسستن حصارها و بندهای بردگی از دست و پای مردم بود. در زیارت نامه امام، گواهی می دهیم که وی دعوتگری به سوی قسط و عدل و برپا دارنده عدالت و ایجاد امتیّت برای ستمدیدگان بود: «اشهد أنّک قد امرت بالقسط و العدل و دعوت الیهما»، [۲۱] «و یأمن المظلومون من عبادک...» [۲۲] امثال اینگونه تعبیر در متون عاشورایی بسیار است. به تعبیر امام راحل قدس سره: «سیدالشهدا سلام الله علیه از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود... تمام زندگیش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته شود و از بین برود.» [۲۳]. شاعری از زبان سیدالشهدا چنین می سراید: دادن جان به ره آزادی به خدا بهتر از این زندگی استمرگ اندر ره آزادی و عدل بهتر از بندگی و بردگی است [۲۴]. عدالتخواهی، مفهوم ظلم ستیزی و مبارزه با سلطه جائر را هم با خود دارد. در اشعار شاعران، این مقوله هم زیاد به چشم می خورد، بصیر اصفهانی گوید: سر سلسله مردم آزاد حسین است آن کس که در این ره سر و جان داد حسین استمردی که چون کوهی به بر تیشه بیداد دامن به کمر برزد و استاد حسین استمردانه در این مرحله بگذاشت قدم را بر ضد ستمکار برافراشت علم ربا نیروی یزدانی و با دست خدایی بشکست به هم قدرت ارکان ستم را او کرد به نوع بشر این قاعده تعلیم کاندلر ره آزادی از جان نبود بیمی دیگر نهرا سید ز ستمکار ستمکش مظلوم به ظالم نکند کرنش و تعظیماعلامیه از قتلگه کرب و بلا داد با زینب و سجاد سوی شام فرستاد این جمله ز خون بود در آن نشریه مسطور باید بشر از قید اسارت شود آزاد [۲۵]. اقبال لاهوری، متفکر و شاعر بلند آوازه از اهل سنت، در سروده خویش از حریت حسین (ع) و لاله کاشتن او در سرزمین کربلا و استبداد ستیزی حضرتش و بیدار ساختن ملت دم می زند و چنین می گوید: آن شنیدستی که هنگام نبرد عشق با عقل هوس پرور چه کرد؟ آن امام عاشقان پور بتول سرو آزادی ز بستان رسول الله بای بسم الله پدر معنی ذبح عظیم آمد پسر بر زمین کربلا بارید و رفت لاله در ویرانه ها کارید و رفتا قیامت قطع استبداد کرد موج خون او چمن ایجاد کرد ما سوی الله را مسلمان بنده نیست نزد فرعونى سرش افکنده نیستخون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد رمز قرآن از حسین آموختیم ز آتش او شعله ها اندوختیم [۲۶].

مکتب مبارزه

پیوسته انقلابیون، از زندگی و شهادت سرخ جامگان شهید الهام می گیرند و حماسه های متجلی در شهادت ها، انگیزه آفرین و مبارز پرور و شهیدساز بوده و خواهد بود. نگاه به عاشورا به عنوان مکتبی که الگوی جهاد و شهادت طلبی و فداکاری است و همه ملل جهان و آزادگان باید از این سرچشمه سیراب شوند، از عناصر دیگری است که در اشعار عاشورایی مطرح است، به نمونه هایی نیز از اینگونه سروده ها توجه کنید: حجه الاسلام بهجتی شفق می سراید: عالم از شور تو غرق هیجان است هنوز نهضت مایه الهام جهان استهنوز کربلای تو پیام آور خون است و قیام مکتب راهنمای دگران است هنوز تا قیامت ز قیام تو قیامت برپاست از قیام تو

پیام تو عیان است هنوز همه ماه محرم، همه جا کرب و بلاست در جهان، موج جهاد تو روان است هنوز جاودان بینمت استاده به پیکار، دلیر لا- اری الموت ترا ورد زبان است هنوز باغ خشکیده دین را تو ز خون دادی آب نه عجب گر که شکوفا و جوان است هنوز تربت پاک تو کازادگی آموزد و عشق سرمه دیده صاحب نظران است هنوز [۲۷]. جعفر نوا، در اشاره به درسهای مکتب حسینی می گوید: سربازی سرافرازی بود آزاد مردان را سرافرازی و سربازی ز شاه کربلا آموز حسین آسا به دفع فتنه بیگانگان برخیز شعار آشنایی با خدا، از آشنا آموز [۲۸]. قاسم سروی ها نیز در اینکه آزادی خواهان جهان خوشه چین مکتب اویند، می گوید: شرح جانبازی او یکسر کتاب زندگی است جان فدا کردن نخستین مطلع دیوان اوستهر که در عالم دم از قانون آزادی زند در حقیقت خوشه چین خرمن احسان اوستدرس رادی و جوانمردی به عالم داد و رفت کاخ حریت به پا از درس جاویدان اوست [۲۹]. این آموزه ها نه تنها ویژه حسین (ع)، بلکه رهنمود همه عاشوراییان و یاران شهید اوست. عباس بن علی (ع) در رأس اینگونه آموزگاران حریت است. در شعر «صلواتی» می خوانیم: داد درس یاری و جانبازی و مردانگی بر همه اهل جهان، عباس، سردار حسین [۳۰]. قاسم رسا نیز در این زمینه می سراید: قامت مردانگی افراشت سبط مصطفی تا بیاموزد فداکاری به افراد بشر [۳۱]. از شیوه های مبارزه حق جویانه و مکتبی، «شهادت طلبی» است. با تکیه به این فرهنگ، خون بر شمشیر پیروز می شود و حنجر بریده بر خنجر کین غلبه می یابد. این درس نیز برای مبارزان شهادت طلب در سراسر جهان دستمایه الهام است. «جواد محقق» چنین می سراید: اگر چه داد به راه خدای خود سر را شکست حنجر او خنجر ستمگر را [۳۲]. فرهنگ «احدی الحسینین» و خود را در همه حال پیروز دیدن، از آموزه های سیاسی عاشورا است. حسین بن علی (ع) خود را در مسیر خیر و خداخواهانه می دید، چه پیروز شود، چه کشته گردد: «ارجو ان یكون خیراً ما اراد الله بنا قتلنا ام ظفرنا» [۳۳]. این تلقی خاص و پیشرو، پیوسته انگیزه آفرین مبارزان است و هرگز مبارزان راه خدا خود را شکست خورده نمی بینند، چون به تکلیف عمل کرده اند. گرچه از داغ لاله می سوزیم ما همان سربلند دیروزیم چون به تکلیف خود عمل کردیم روز فتح و شکست پیروزیم [۳۴]. این فرهنگ، در طول زمان دعوتگر حق طلبان و ستم ستیزان است و فریاد «هل من ناصر» او پیوسته در گوش زمان جاری است. «امام انقلاب کربلا با روح این دعوتزمان ها را، مکان ها را به یاری می زند فریاد استمداد از آن فریاد دعوتگر که در متن زمان جاری است و پیغامش شعار شور و بیداری استمیان حق و باطل، داد با بیداد نبردی جاودان بر پاستدر این میدان و این پیکارندای دعوتش چشم انتظار پاسخی از ماستکه حق تنهاستو هر جا کربلا، هر روز عاشوراست.» [۳۵]. مکتب بودن عاشورا برای مبارزه دائمی علیه ستم و استبداد، تنها با همان دید «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» قابل تحقق است. این بینش سیاسی و مبارزاتی در شعرهای بسیاری مطرح است، از جمله اینها: تا شود این عرصه خاکی سراسر کربلا تا ابد می جوشد از رگهای عاشورا عطش [۳۶]. امام راحل قدس سره کوشید تا این بینش را در باور مردم رسوخ دهد. می فرمود: «دستور آن بود که این برنامه، سرلوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمینی باشد. روزهایی که بر ما گذشت، عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر.» [۳۷].

جاودانگی در تاریخ

در مبارزه حق و باطل، علی رغم تصور ستمگران که می پندارند با قتل عام و خونریزی، ندای عدالت خواهی را می توانند خاموش کنند، شهیدان زنده جاویدند، همواره اثر گذار و پر آوازه و حیاتشان در سایه ممانتشان است و به تعبیر قرآن کریم: «بل احياء عند ربهم يرزقون». مفهوم جاودانگی نام و یاد و فرهنگ شهیدان، در آثار شاعران بازتاب گسترده ای دارد. در شعر بلند و زیبای «صادق سرمد»، این ابیات، اشاره به این بینش است: پایان زندگانی هر کس به مرگ اوست جز مرد حق، که مرگ وی آغاز دفتر است آغاز شد حیات حسینی به مرگ او وین قصه، رمز آب حیات است و کوثر است آن کس که در اقامه حق می شود شهید عمر ابد نصیب وی از موت احمر است [۳۸]. نیز در این شعر از بهاءالدین: خاموش گشته ایم و فراموش کی شویم بس این قدر که در

همه جا گفتگوی ماستهر جا که هست روی زمین ارغوان سرخ آبش ز خون ما، گلش از خاک کوی ماست [۳۹]. و دکتر رسا می گوید: فرق بین حق و باطل بین که بعد از قرن ها جلوه حق مانده جاویدان و باطل بی اثر [۴۰]. این حقیقت، شکست سلطه های ستم را در متن حاکمیت می رساند، چرا که در اندیشه ها و وجدانهای بشری محکومند. حضرت زینب(س) در بارگاه یزید، در خطابه ای صریح به آن طاغوت سر مست از قدرت، فرمود: «فکد کیدک و اسع سعیک و ناصب جهدک فوالله لا تمحو ذکرا و لا تمیت وحینا؛ [۴۱]. هر چه نیرنگ و تلاش داری به کارگیر، به خدا قسم نه یاد ما را می توانی محو کنی، نه وحی ما را می توانی بمیرانی!» در شعر معروف «فراز»، چنین می خوانیم: دشمنت کشت، ولی نور تو خاموش نگشت آری آن جلوه که فانی نشود نور خداستنه بقا کرد ستمگر، نه به جا ماند ستم ظالم از دست شد و خانه مظلوم به جاستزنده را زنده نخواند که مرگ از پی اوست بلکه زنده است شهیدی که حیاتش ز قفاست [۴۲] ای که در کرب و بلا- بی کس و یاور گشتی چشم بگشا و ببین خلق جهان یاور توست [۴۳]. قنبرعلی تابش نیز در این زمینه چنین می سراید: تا در گلوی تشنه حنجر، صدا جاری است خون گلویت، کربلا- در کربلا- جاری است آسمان کوفه پابرجاست، می دانم خون تو در این خاک، چون آب و هوا جاری است [۴۴]. آنچه از بازتاب حماسه عاشورا در رواق تاریخ و ذهنیت بشر و وجدان انسانها باقی ماند، «حیات شهید» بود و زوال ستم. ظالمان نیز هرگز تصوّر چنین شکستی را نداشتند. «سید مهدی حسینی» از این جاودانگی چنین می گوید: که بود این موج، این طوفان، که خواب از چشم دریا برد؟ و شب را از سراسیب سکون، تا اوج فردا بُرد کسی آمد، کسی آن سان که دیروز توهم را به سمت مشرق آبی ترین فردای زیبا برد به خاک افکند ذلت را، شرف را از زمین برداشت و او را تا بلندای شکوه نیزه، بالا برد بگو با من، بگو ای عشق، اگر چه خوب می دانم که بود این موج، این طوفان که خواب از چشم دریا برد [۴۵]. و این همان جلوه ای است که در شعر محتشم کاشانی دیده می شود و شور محشری که حسین بن علی(ع) در تاریخ افکنده و موجی که هرگز پایان نمی پذیرد: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است...».

پیام خون

آنچه یک مبارزه را ماندگار، مؤثر، حرکت آفرین و مصون از تحریف می سازد، «تبیین» است، یعنی رساندن پیام خون و ترسیم فلسفه نهضت و مقابله با فریب ها و تبلیغات دروغین و تحریف چهره واقعی یک حماسه. اگر در نهضت عاشورا این بُعد از حرکت که به صورت خطابه های پرشور امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) جلوه کرد، وجود نداشت و مکمل خون شهدای کربلا نمی شد، بی شک این حماسه نه ماندگار می شد، و نه دور از تحریف. «فرید» چه زیبا به این واقعیت اشاره کرده است: سزنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود کربلا- در کربلا- می ماند اگر زینب نبود چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب پشت کوه فتنه ها می ماند اگر زینب نبود [۴۶]. نقش خطابه های شورانگیز افشاگر، الهام بخش و رسواساز باطل، بسیار عظیم است و شاعران به این نکته وقوف کامل داشته اند و در پرداختن به سیمای پیام رسان نهضت عاشورا آن را بیان کرده اند. موزون اصفهانی گوید: این همان بانوست کز نطق و بیان همچون علی انقلاب از کوفه تا شام خراب انداخته دخترش در کوفه از تیغ زبان چون ذوالفقار مغز جان خصم را در التهاب انداخته از خطابی آل سفیان را به رسوایی کشید پرده از کار پلیدان زان خطاب انداخته [۴۷]. مرحوم صغیر اصفهانی در اشاره به نقش خطابه هایش چنین می سراید: بر هم زن اساس جفا کاری یزید لحن بلیغ و نطق درخشان زینب استابن زیاد شوم به دارالاماره اش رسوا ز منطق شرر افشان زینب است [۴۸]. «سروی» نیز چنین سروده است: با کلام جان فزا اثبات دین حق نمود عالمی را دوستدار اهل ایمان کرد و رفتدر دیار شام بر پا کرد از نو انقلاب سنگر اهل ستم را سست بنیان کرد و رفتیزید خطبه ای غزا بیان فرمود در کاخ استبداد را از ریشه ویران کرد و رفتفاش می گویم که آن بانوی عظمای دلیر از بیان خویش دشمن را هراسان کرد و رفت [۴۹]. گاهی «اسارت»،

تبدیل به «درس آزادی» می‌شود و اسیران آزاده، با مقاومت و روحیه بالا و عزت نفس، جباران را به ستوه می‌آورند. تبدیل کردن اسارت به آزادی در فرهنگ عاشورا و در رفتار بازماندگان آن حادثه خونین جلوه گر است، تا آنجا که می‌توان زینب کبرا را «اسیر آزادی بخش» نامید. [۵۰] در برخی سروده‌ها چنین نگاهی به «کاروان اسارت» شده است: در بطن این اسارت ما خفته است آزادی تمام گرفتاران مرگ پر افتخار پدرها مان سرمایه حیات هدفداران ما وارث شهادت و ایثاریم بنیانگذار عزت و آزادی ما شور پرشوره ایمانیم آنجا که نیست جرأت فریادی ما رهسپار شهر خموشانیم شهری که سایه بان زده از وحشت شاید به تازیانه یک فریاد بیدارشان کنیم از این غفلت رفتیم پیشواز اسارت‌ها تا کاخ‌های ظلم براندازیم تا در زمان قحطی حق جویان آبی به آسیاب حق اندازیم [۵۱].

جهاد، رمز عزت

از روشن‌ترین پیام‌های سیاسی دین که در عاشورا هم تجلی یافته است، عزتی است که در سایه جهاد به دست می‌آید. حسین بن علی (ع) و یارانش چون جهاد کردند، عزیز خدا و خلق شدند و آنان که از حمایت آن شهید مظلوم دست کشیدند، گرفتار ذلت و خواری گشتند. قیام حسین (ع) مایه حیات دین و عزت اسلام نیز گشت و بقای دین در سایه خون و شهادت اوست. این نکته و نگرش، در اشعار فراوانی دیده می‌شود که به چند نمونه اشاره می‌شود. خسرو نژاد چنین سروده است: جاودان خاطره نهضت خونین تو شد چون که دین زنده از آن خاطره خونین استبر تو و بر همه یاران شهید تو درود که ز خون شهدا عزت دین تضمین است [۵۲]. آنچه خود سیدالشهدا (ع) فرمود و از مرگی که موجب بقای دین گردد استقبال فرمود (ان کان دین محمد لم یستقم الا- بقتلی فیاسیوف خذینی) در اشعار شاعران نیز بازتاب یافته است: وفاست و امدار تو، حماسه یادگار تو حیات دین ز خون تو، خداست خونبهای تو اگر که نام مصطفی (ص) هنوز در جهان به پاست از آن سر بریده توهست و از نوای تو [۵۳]. «حسین بود، آنکه گفت: اگر که دین جدّ منبه جز به کشتنم نمی‌شود به پا اگر نهال تازه پای دین حقیق‌ازمند خون پیکر من استکنون من و نبرد و تیغ‌های تیز...» [۵۴]. حجة الاسلام بهجتی شفق چنین می‌سراید: باغ خشکیده دین را تو ز خون دادی آب نه عجب گر که شکوفا و جوان است هنوز تربت پاک تو کازادگی آموزد و عشق سرمه دیده صاحب نظران است هنوز [۵۵]. محمود شاهرخی (جذب) نیز در احیاگری جهاد حسینی نسبت به دین می‌گوید: در ساحل فرات که لب تشنه شد شهید سیراب گشت مزرع دین ز آبروی او فری دوباره یافت حقیقت ز فیض وی آبی دوباره یافت شریعت ز جوی او [۵۶]. شاعری دیگر چنین سروده است: تا قیام خوب به دشت عشق برپا کرده ای ای مسیحا، عالمی را از دم، احیا کرده ایدرس جانبازی به مردان خدا آموختی نهضت خونین خود سرمشق دنیا کرده ایخون تو در پیکر تاریخ می‌جوشد هنوز مات خود، افکار اعصار و قرون را کرده ای [۵۷]. عبدالحسین رضایی از زبان سیدالشهدا (ع) چنین می‌سراید: هیهات ذلت من و آقایی یزید بیعت به آن ستمگر رسوا نمی‌کنمدر پیشگاه ظلم نیاید سرم فرود تعظیم جز به خالق یکتا نمی‌کنممن زنده و یزید کند رهبری خلق؟ امضا من این حرمت بیجا نمی‌کنممرگ شرف به است از این زندگی مرا چیزی به غیر مرگ تمنا نمی‌کنم [۵۸]. عزت مسلمانان در سایه جهاد و فداکاری است. حسین بن علی (ع) برای بازگرداندن عزت دین و شرافت مسلمین خون و جان داد و نهال اسلام را شاداب ساخت. حجة الاسلام بهجتی شفق اینگونه می‌سراید: باید از استاد عشق، شاه شهیدان یاد گرفتن، گذشتن از سر و تن رارهبان آزاده، پیشوای فداکار دید چو بر پای دین ز جور، رسن راخواست چون طوفان و بر ستم بخروشید داد رهایی ز بند، دین و سنن راریخت چو خونش به خاک، خاست دو صد موج کند ز بنیان بنای ظلم و فتن را کرد ز باران خون سرخ وی آغاز باغ فضیلت، ز نو شکفته شدن را [۵۹]. همو در بیان مفهوم زندگی عزیزانه و شکستن حصار بیداد در عصر حکومت طاغوت، چنین می‌سراید: اندر آنجا که باطل امیر است اندر آنجا که حق سر به زیر است اندر آنجا که دین و مروّت پایمال و زبون و اسیر است راستی زندگی ناگوار است مرگ، بالاترین افتخار است این اساس مرام

حسین است روح و رمز قیام حسین است «یا که آزادگی، یا شهادت» حاصلی از پیام حسین است شیعه او هم اینسان غیور است تا ابد از زبونی به دور است زان شهید سر از دست داده زان فداکار در خون فتاده جاودان آید این بانگ پر شور «لا اری الموت الا سعاده» آری آزادمردان بکوشند بر ستمگر چو طوفان خروشدند [۶۰].

عاشورا، پیامد تنها گذاشتن امام

رابطه دو جانبه «بیعت» و «اطاعت»، بین امام و امت، نصرت پیشوای عدل و حمایت از امام معصوم و حجت خدا را الزامی می‌سازد. آنچه در عاشورا اتفاق افتاد و فرزند پیامبر مظلومانه به شهادت رسید، ثمره عمل نکردن امت به تکلیف خویش و تنها گذاشتن امام بود. و این حادثه، ریشه در سقیفه و جریانات پس از رحلت رسول خدا(ص) دارد. این بینش سیاسی که حادثه کربلا و ظلمی که به اهل بیت شد، از سقیفه و شورا و عمل نکردن به سفارش پیامبر اکرم(ص) بود، و اگر آن روز چنان نمی‌شد، در سال ۶۱ هجری چنین نمی‌شد [۶۱] در آثار شاعران دیده می‌شود. تیر تبریزی در ترسیم پیوند این دو حادثه می‌گوید: «کانکه طرح بیعت شورا فکند خود همانجا طرح عاشورا فکند چرخ در یثرب رها کرد از کمان تیر کاندن نینوا شد بر نشان [۶۲]. مرحوم آیة‌الله کمپانی در اشعار عربی خود به وضوح این بینش سیاسی و تحلیل تاریخی را تشریح می‌کند؛ این مضمون که: تیری را که حمله رها کرد، حمله نبود که تیرانداخت، بلکه تیرانداز اصلی کسی بود که زمینه ساز آن شد. تیری از سوی سقیفه آمد که کمانش در دست خلیفه بود، آن تیر نه بر گلوی آن کودک شیرخوار، بلکه بر جگر دین و بر دل رسول خدا فرود آمد: «سهّم اُتی من جانب السقیفه...» [۶۳]. اگر پیمان مردم با «ولی» بود اگر پیوند با آل علی بودنه فرمان نبی از یاد می‌رفت نه رنج و زحمتش بر باد می‌رفته خون دل نصیب مجتبی بود نه پرپر لاله‌ها در کربلا بود... [۶۴]. این نگرش مجموعه‌ای و تحلیل به هم پیوستگی حوادث تلخ کربلا و مظلومیت اهل بیت، با آن رزیه و نقطه انحراف و ظلم نخستین به خاندان عصمت، بسیاری از وقایع را روشن می‌سازد و اگر بناست از «عبرت‌های عاشورا» پندی گرفته شود، با همین دید میسر است. این، همان نکته‌ای است که در «زیارت عاشورا» هم بر آن تأکید مکرر شده و از نخستین کسی که بر آل پیغمبر ستم کرد و آخرین کسی که از او پیروی نمود و هر کس که به هر نحو و با هر وسیله و امکانات مالی و سیاسی تبلیغاتی و زمینه‌سازی (والممّهدین لهم...) با نفرت و نفرین یاد شده است. وقتی پیمان شکنی عهدی که در غدیر بستند رخ داد، تیغ کشیدن به روی حجت خدا در عاشورا پیامد آن خواهد بود. علی رضا قزوه می‌سراید: ابتدای کربلا مدینه نیست. ابتدای کربلا- غدیر بود ابرهای خون فشان نینوا، اشکهای حضرت امیر بود نطفه خلافت ار چه بسته شد، در سقیفه بیعتی شکسته شد ائمت رسول، دسته دسته شد، او سکوت کرد، ناگزیر بود بعد از آن فتوت همیشه سبز، برکت از حجاز و از عراق رفت هر چه دانه کاشتند سنگ شد، پشت هر کویر، صد کویر بود بعد، مگه و مدینه دام شد، کوفه صرف عیش و نوش شد آفتاب سربلند سایه سوز، در حصار نیزه‌ها اسیر بود [۶۵]. اینها نمونه‌هایی از این نگرش در تسلسل و پیوست حوادث است و حادثه عاشورا را سرشار از درس می‌سازد. شعار مردمی «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند» نیز جلوه‌ای از همین نگاه و شناخت است.

پاورقی

- [۱] صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۰۸.
- [۲] همان، ج ۴، ص ۱۵.
- [۳] ولایت فقیه، ص ۱۶۱.
- [۴] مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.
- [۵] ستودگان و ستایشگران، ص ۱۰۱.

- [۶] رضا معصومی، اشک شفق، ج ۱، تهران، رشیدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹ - ۳۴۰.
- [۷] گلوآزه، ج ۱، ص ۱۰۵.
- [۸] همان.
- [۹] همان، ص ۹۵.]
- [۱۰] چلچراغ اشک، ص ۱۵۹ و ۱۶۶.
- [۱۱] همان.
- [۱۲] شب شعر عاشورا، ج ۱، ص ۶۳.
- [۱۳] همان، ج ۲، ص ۱۳۲، ۱۳۳.
- [۱۴] همان.
- [۱۵] چلچراغ اشک، ص ۱۷۲.
- [۱۶] همان، ص ۱۷۹.
- [۱۷] گلوآزه، ج ۱، ص ۹۴.
- [۱۸] همان، ص ۹۶.
- [۱۹] همان، ص ۱۰۵.
- [۲۰] مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.
- [۲۱] زیارت امام حسین در اول ماه رجب، مفاتیح الجنان، ص ۴۳۹.
- [۲۲] تحف العقول، ص ۲۳۹.
- [۲۳] صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.
- [۲۴] گلوآزه، ج ۱، ص ۹۸.
- [۲۵] همان، ج ۲، ص ۱۱۹؛ و نیز: اشک شفق، همان، ص ۲۰۱ - ۲۰۰.
- [۲۶] همان، ص ۱۲۵.
- [۲۷] هفتاد و دو زخم کربلایی، ص ۳۵.
- [۲۸] گلوآزه، ج ۱، ص ۹۳.
- [۲۹] همان، ص ۹۴.
- [۳۰] همان، ص ۹۵.
- [۳۱] همان، ص ۹۶.
- [۳۲] شب شعر عاشورا، ج ۱، ص ۱۰۷.
- [۳۳] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۷.
- [۳۴] از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۸۱.
- [۳۵] همان، ص ۱۰۵.
- [۳۶] هفتاد و دو زخم کربلایی، ص ۵۵.
- [۳۷] صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۷.
- [۳۸] گلوآزه، ج ۱، ص ۹۲.

- [۳۹] همان، ص ۹۵.
- [۴۰] همان، ص ۹۶.
- [۴۱] مقتل الحسین، مقزم، ص ۴۶۴.
- [۴۲] چلچراغ اشک، ص ۱۶۲.
- [۴۳] همان، ص ۱۶۷.
- [۴۴] هفتاد و دو زخم کربلایی، ص ۴۶.
- [۴۵] گل نغمه های عاشورایی، ص ۱۵.
- [۴۶] فرهنگ عاشورا، ص ۲۱۷.
- [۴۷] گلوازه، ج ۱، ص ۱۱۲.
- [۴۸] همان، ص ۱۱۳.
- [۴۹] همان، ص ۱۱۴.
- [۵۰] نام شعر و مجموعه شعری از نویسنده که با الهام از همین نکته است.
- [۵۱] از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۳۱.
- [۵۲] چلچراغ اشک، ص ۱۷۳.
- [۵۳] از نویسنده، برگ و بار، ص ۹۸.
- [۵۴] همان، ص ۱۰۰.
- [۵۵] هفتاد و دو زخم کربلایی، ص ۳۵.
- [۵۶] همان، ص ۱۰۰.
- [۵۷] گل نغمه ها، ص ۵۵.
- [۵۸] چهره های گلگون، ص ۴۹.
- [۵۹] بهار آزادی، ص ۴۲.
- [۶۰] همان، ص ۷۱.
- [۶۱] در این زمینه ر.ک: «فرهنگ عاشورا»، ص ۲۸۹.
- [۶۲] دیوان «آتشکده»، ص ۵۹.
- [۶۳] الأنوار القدسیه، ص ۹۹، فرهنگ عاشورا، ص ۲۹۱.
- [۶۴] از نویسنده. برگ و بار، ص ۶۰.
- [۶۵] هفتاد و دو زخم کربلایی، ص ۱۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

